



عبدالواسع غفاری

بفش دوه

قانون و قانونیت در دوره امانیه

(۱۹۱۹ - ۱۹۲۹ میلادی) مصادف (۱۲۹۷ - ۱۳۰۷ هجری قمری)

امان الله خان بعد کشته شدن پدرش در کابل اعلان پادشاهی کرد. گرچه کاکایش در جلال آباد خود را مستحق میدانست، هم اعلان پادشاهی نمود، چون امان الله شخص وطنپرست و در بین مردم و روشنفکران از محبوبیت خاص برخوردار بود و با جنبش روشنفکران ارتباط داشت، او را به پادشاهی قبول نمودند. موصوف اولین شاه کشور بود که با افکاری مترقی، از دموکراسی، آزادی فردی، عدالت، برابری و برادری، ترقی و پیشرفت سخن زد. شاه در بیانیه معروف خود یک روز بعد از اعلان پادشاهی در محضر مردم گفت: (افغانستان ازین به بعد کشور آزاد و دارای استقلال خارجی میباشد. از آزادیهای فردی، مساوات، برادری و برابری، آزادی ملت و تامین امنیت، عدالت و صداقت یاد آور گردید). بتاريخ ۲۸ فیبروری ۱۹۱۹ میلادی که توسط اعلامیه های چاپی بمردم پخش گردید، در خطاب بمردم چنین یاد آور شد: (ای ملت معظم افغانستان... من عهد بستم که بایست دولت افغانستان مانند سایر قدرتهای مستقل جهان در داخل و خارج کشور آزاد و مستقل باشد. ملت افغانستان در داخل کشور آزادی کامل داشته و از هرگونه تجاوز و ظلم محفوظ، و مردم مطیع قانون باشند و بس، کاری اجباری و بیگاری در تمام رشته ها ممنوع و ملغی است. حکومت ما، در افغانستان اصلاحاتی خواهد نمود که ملت و مملکت ما بتوانند در بین ملل متمدن جهان جای مناسب مقام خود را حاصل نمایند...)

امان اللد بعد از تصفیه حساب بانگلیس و گرفتن استقلال کشور، متوجه ریفورم و تحولات داخلی گردید. جهت ایجاد نظم و رعایت حقوق مردم در همه امور، سیاسی، اقتصادی و اجتماعی به تصویب نظامنامه ها اقدام نمود. نخستین قانون اساسی کشور را توسط جرگه تصویب نمود. در عرصه قوانین جزایی با احتیاط اقدام نمود. ابتدا تمسک القضاة در مسایل جزایی (حصه دوم) در 14 باب در سال 1300 هجری تدوین گردید. این اثر علمی حقوقی که هدفش ایجاد هم آهنگی در فیصله های محاکم بود، به همکاری علمای آن زمان و استفاده از کتب معتبر فقهی مانند هدایه، قاضی خانی، فتح القدیر و سایر آثار فقهی - حقوقی استفاده شده بود، که میتوان آنرا یکی از آثار ارزشمند حقوقی بشمار آورد. امان الله خان در مقدمه این کتاب می نویسد: (چون کتب فقه این زمان دارای اقوال و روایات به عبارات عربی بوده، استخراج حکم معلوم الصحه و حادثه از آنها.. دارد، که از عموم حکام و کارداران دولت، بلکه از خصوص سایر قضات و مفتیان امید کرده نمیشود، امر فرمودم تا علمای حضور روایات صحیحه مذهب حنفی را مطابق معمول فرصت حال یکجا کرده و به زبان فارسی تدوین نمایند. حسب الحکم «تمسک القضاة الامانیه» را تدوین ساخته کل مسایل و روایات آن به نظر دقت شاهانه ام رسید، حکم فرمودم که قضات محاکم حقوقی و جزایی و احکام ادارات در فیصله دعاوی و مرافعات احکام مندرج کتاب موصوف را معمول داشته از روایات دیگر در کتب و مجموعات صرف نظر نمایند و اگر حادثه واقع گردد که مشخصه حکم آن در مسایل مذکور کتاب مذکور نباشد فیصله حکم مذکور را معطل کرده کیفیت محضر و صورت حال آن را کاملاً به حضور وزارت عدلیه امریست که کیفیت ارسال قضات را بلا معطل تقدیم حضور انور پادشاهی بدارد تا به اتفاق محفل شورای علوم تعیین حکم غیر مذکور فرموده شود. بعد از امضای پادشاهی برای تکمیل مسایل کتب داخل آن کرده شود. انشاء الله تعالی.)

- در مسایل جزایی نیز از جانب احتیاط کار گرفته شد. و جزاء های از پیش تعیین شده در روند اصلاحات تغییر نکرد. در قسمت تعزیرات اصدار حکم به رأی امام و اولوالامر و گذار گردید. که بر اساس همین طرز دید نظامنامه های مختلفی تدوین گردید. همچنان در مورد و گذاری به رأی امام و اولوالامر، در نظامنامه های جداگانه بی تذکر رفته است:

برای احکام تعزیرات شرعیه که حدود معین نداشته، مفوض به رأی امام و اولوالامر است.

به همینگونه نظامنامه های جداگانه ملکی، نظامی و اجتماعی تدوین گردید، اندازه و مقیاس تعزیر هرگونه جرایم (قباحت، جنحه و جنایت) در آن بصورت مفصل درج و تحریر گردید. تا قضات افغانستان در حکم جزاء تقلید از مواد قضایی (تمسک القضاة الامانیه) و پیروی فقرات (نظامنامه های جزایی) را در احکام تعزیر رعایت کرده

وازدور حکم خلاف شریعت و دور از واقعیت جلوگیری صورت بگیرد. طوری که یادآوری شد قوانین فقط در عرصه حقوق عامه مورد اقتباس قرار گرفت و دامنه این اقتباس در دوران زمامداری شاه امان الله به عرصه حقوق خصوصی کشانیده نشد. از جانب دیگر، اینکه مسئولین دولتی آن زمان چرا بجای نام قانون از نظامنامه استفاده کردند، دلایلی بیشماری برای این کار خود

داشتند. از یکطرف موجودیت دید محافظه کارانه طیف های مذهبی - سنتی و واکنش اقشار به شدت مخالف این گونه اصلاحات را میتوان بشمار آورد. از جانبی هم، شاه امان الله و همکاران اصلاح طلبش در این خصوص از نهایت احتیاط و محافظه کاری کار می گرفتند. تا ذهنیت و افکار به شدت سنتی مردم را مغشوش نساخته، و موجب واکنش های شدید مردم نگردند.

در خصوص گزینش نام نظامنامه به عوض قانون، محمود طرزی در یکی از مقالات خود می نویسد: (در مملکت عزیز ما کلمه قانون را ضد شرع دانسته و مخصوص قضاء پنداشته اند. و اگر کدام قانون هم وضع شده باشد آن را قانون نه، بلکه «دستور العمل» یا نظامنامه گفته اند.)

در دوره شاه امان الله بنا بر طرح یک استراتژی گسترده در عرصه آوردن اصلاحات حقوقی، رعایت جو محافظه کارانه جامعه و احتیاط از برانگیختن مردم ذریعه تحریک قشر روحانیون محافظه کار و سنتی، نام نظامنامه که قرابت نزدیک با قانون از نگاه مفهوم داشت به جای قانون برگزیده شد. گزینش نام نظامنامه با رعایت دلایل بالا یک وجه دیگری نیز داشت و آن اینکه اقتباس حقوق اروپایی قاروی (سیستم حقوقی رومن- ژرمنیک) بصورت غیر مستقیم از طریق ترکیه به افغانستان رسیده و در ترکیه بیشتر از نظام حقوقی آلمان، اتریش و سویس استفاده صورت گرفته بود.

در طول سلطنت امان الله خان بر علاوه نظامنامه اساسی دولت علیه افغانستان که حکم قانون اساسی افغانستان را داشت بیشتر از (100) نظامنامه دیگر تدوین گردیده، با توجه به اهمیت روند قانونگذاری این دوره یکی از درخشان ترین دوره ها، در تاریخ حقوقی افغانستان بشمار میرود. سقوط سلطنت شاه امان الله را نیز باید پایان عصر تطبیق و رعایت قانون دانست. و با سقوط شاه امان الله گویی تمام آن نظامنامه ها به تاریخ سپرده شد.

علاوتاً جهت تصویب سایر قوانین، شورای دولت را که مرکب از نمایندگان انتخابی و انتصابی بود، بوجود آورد. که بطور خلاص از قوانین ذیل میتوان نامبرد:

- قانون تشکیلات اساسی که وظایف و اختیارات شورای دولت و مجالس مشوره ولایات را تنظیم نموده بود

- قانون جلوگیری از آزادیهای بی حد و حصر قضات که بنام (تمسک القضاء امانیه) یاد میشد که جزای هر جرم پیشبینی شده بود. که خود یک تغییر عمده و فقهی در افغانستان بود،

که بعداً با مخالفت متعصبین مذهبی و دشمنان آزادی و عدالت واقع شد.

- محاکم علنی اعلان گردید. و علاوه بر دعاوی حق الله و حق العبد جدا گردید. - قوانین دیگر مانند القابها و نشانها - تذکره نفوس - تعمیرات دولتی - تفریق وظایف حکام و مامورین - تقاعد - تشویق صنایع - محابس - تعلیم و تربیه - خدمات عسکری - تعلیمات نظامی - زراعت للمی - فروش املاک دولتی - قونسل‌های - محاکم شرعی - معاملات تجارتي - تعزیه داری - مکاتب خانگی - مطبوعات - مقیاسات - محصول مواشی - نکاح و ختنه سوری - مامورین دولت - جزای عموم - جزای عسکری - مالیات - ودها نظامنامه دیگر.

در شورای دولت جهت ترتیب پروژه های قانون و تصویب قوانین مترقی از دانشمندان، حقوقدانان، روشنفکران و مشاورین ترکی که تجربه بیشتر در زمینه داشتند، استفاده میگردید. با اینکه تفکیک قوای ثلاثه (اجرائیه، مقننه و قضائیه) بوجود آمده بود. بصورت عموم در راس هر سه قوه شاه قرار داشت و وظیفه صدراعظم را خودش عهده دار بود. به گمان اغلب نسبت قلت کادرهای ورزیده، و اینکه بتوانند افکار و نظریاتش را درک و در عمل تطبیق خواهند نمود شک و تردید داشت، به همین لحاظ رهبری هر سه قوه به خصوص قوه اجرائیه را شخصاً پیش میبرد. علاوه بر جهت رفاه عمومی و اعطای حقوق و آزادیهای مردم توجه لازم مبذول میداشت، چنانچه آزادیهای ذیل را در قانون اساسی پیشبینی نمود:

- ماده هشتم: همه افراد یک در مملکت افغانستان میباشد بلا تفریق دینی و مذهبی تبعه افغانستان گفته میشود.

- ماده نهم: کافه تبعه افغانستان در امور دینی و مذهبی و نظامات سیاسی دولت پابند بوده و آزادی حقوق شخصی خود را مالک هستند.

- ماده دهم: حریت شخصیه از هرگونه تعرض و مداخله مصئون است، هیچکس بدون امر شرعی و نظامات مقننه توقیف و مجازات نمیشود. در افغانستان اصول اسارت بالکل موقوف است.

- ماده شانزدهم: کافه تبعه افغانستان به حضور شرعیت و نظامات دولت در حقوق و وظایف مملکت مساوی دارند.

- ماده بیست و دو: مصادره و بیگاری به صورت کل تحریم شد.

- ماده بیست و چار: شکنجه و انواع زجر ممنوع گردید و مصئونیت منزل و مکالمات تامین شد. به همین ترتیب دهها قوانین دیگر را در جهت بهبود وضع زندگی مردم و ایجاد نظم جامعه تصویب و در جهت تحقق آن کوشید.

شاه در جهت بلند بردن ارتقاء سویه و ترقی جامعه بر علاوه سایر بخشها در باسواد سازی اتباع کشور تپ و تلاش بسیار نمود.

- طبق ماده شصت و هشت قانون اساسی، معارف تا درجه ابتدائیه اجباری شد. مکاتب متعدد دختران و پسران در مرکز و ولایات کشور احداث ، ورشته های متعدد علوم متداوله آنزمان را رایج نمود.

در قسمت آزادی زنان توجه خاص صورت گرفت ، بر علاوه رفع حجاب زنان ، یک تعداد دختران و زنان را جهت ادامه تحصیل به خارج کشور اعزام نمود. همچنان هیچ مامور دولت حق نداشت چهار زن داشته باشد. از ایجاد ریفورمها بخاطر آزادی زنان، مرتجعین ، فیودالها و متعصبین مذهبی کشور و انگلیسها سئو استفاده نموده و شاه را بنام بی ناموسی و کفر متهم نمودند. علیه موصوف شورش های را بکمک دول خارجی سازمان داده شد. تا آنکه دولت سقوط نمود .

شاه با داشتن افکار مترقی در جهت رعایت حقوق انسانها در آنزمان نظامنامه مهاجرین را تصویب و به معرض اجرا گذاشت. شاه علاقه وافربه پیشرفت و متمدن شدن کشور داشت ، چنانچه قراردادهای متعدد با کشورهای مختلف در راه اعمار خط آهن از شمال بطرف جنوب ، احداث استیشنهای برق جلال آباد، پغمان و کندهار، احداث فابریکات چرمگری، باروت سازی، سمنت، گوگرد، پرزه سازی و ترمیم عراده جات ، نجاری، نختایی روغن، صابون، نساجی، قند سازی، لبنیات ، یخساز و استخراج معادن مختلف به شمول احداث یک پروژه ذوب آهن را به امضاء رسانیده بود، اما افسوس که باز هم دشمنان وطن و مردم که قرنهای دین و مذهب را بهانه قرارداد و مخالف ترقی و پیشرفت میباشند، مانند امروز وطن ما رابه جنگ ویرانی کشانیدند. شاه که مخالف جنگ و قتل و کشتار هموطنان خود بود با حوصله مندی پیشنهاد دشمنان ترقی و مردم کشور را که شامل 19 فقره بود، درحلیکه اغتشاش و بغاوتها را در بعضی نقاط کشور شروع نموده بودند، در جرگه کبیر قبول نمود. که فشرده آن قرار ذیل میباشد.

- تعیین مجازات قانونی قبل از وقوع جرم ممنوع است.

- ممنوعیت نکاح صغیر جایز است.

- زن باید در خانه تحصیل کند نه در مدرسه و یا مکتب.

- ملا در محاکم شهری شامل اعضای محکمه باشند.

- در مکاتب و مدارس قبل از لسان خارجی ، شرح عقاید و دنیات خوانده شود.

- محتسب به احتساب بپردازد.

- دارالعلوم عربی تاسیس شود.

- امور ملا و موزن مساجد تنظیم گردد.

- آزادی فردی عبارت از آزادی در امور شخصی ، نه در امور دولتی و مذهب و دیانت

- در طرح دعاوی شرعی داشتن تذکره تابعیت شرط نیست.

- از دواج یک مرد با چهار زن درست است

- در خدمت زیر بیرق عوض خدمت بدل نقدی دادن درست است.

- مکاتب حفظ قرآن کریم بدون تغییر بماند.

- بخشهای دیگر شامل حجاب، عدم اعزام دختران به خارج کشور و..

این رفورمهایکه از طرف مرتجعین و متعصبین مذهبی بالای دولت تحمیل شد و ضربه شدیدی بود که بر رشد و ترقی، علم و پیشرفت، آزادی و دیموکراسی، رفاه و آسایش مردم و نظم و قانونیت در کشور وارد گردید. و سبب خانه جنگها قتل، کشتار، تخریب و ویرانی گردید.

شاه امان اللہ آرزو داشت که افغانستان را به شاهراه پیشرفت و ترقی سوق دهد، تا مردم کشور ما از فقر و غریبی رهایی یابد، و بیشتر از این مردم مسلمان ما در قید افکار خرافاتی متعصبین مذهبی باقی نمانند، جامعه بدوئی ما در پهنای قانون و قانونیت که ایجاد کنندهء نظام عدالت، برادری و برابری میباشد، به طرف ترقی و تکامل رهسپار گردد. چنانچه قوانین متعدد در عرصه های مختلف تدوین نمود. و جهت تحقق اهداف فوق اقدامات عملی انجام داد. اعمار و ایجاد نهاد های اقتصادی، احداث پروژه های متعدد، عقد پروتوکولها جهت اعمار تاسیسات عامل المنفعه و غیره که قبلا یاد آور شدم، مثالهای آن میباشد.

اما افسوس که تندروان اسلامی، متعصبین مذهبی و مزدوران سیاسی که آبخورشان از خارج کشور سرچشمه میگرفت به اساس هدایت با داران شان که انگلیس بود، اقدام به اعمال انتقام جویانه بکمک روحانیون فروخته شده مانند (نور المشایخ فخر المشایخ) و مریدان شان جهت تغییر افکار مذهبی مردم مسلمان وطن، علیه دولت، تحت نام اینکه الحاد و کفر توسط شاه امان الله در وطن آمده است، بغاوت نمودند. در حالیکه شاه علیه خرافات، ظلم و ستم و جهالت مبارزه میکرد تا با ایجاد حکومت نظم و قانون جامعه را بطرف عدالت، برادری، برابری، آزادی های فردی، اجتماعی، فرهنگی و اقتصادی بخصوص آزادی قشر محروم جامعه ما (زنان) رهنمائی نماید. اما بدبختانه دشمنان ترقی و عدالت که تاجران دین و مذهب میباشدند، پدیده ظلم و ستم را دوباره در وطن ما آوردند و ابرهای سیا دوباره سایه افگند.

ادامه دارد

www.hoqooq.eu